

مفهوم «مارکسیسم اسلامی» چگونه باب شد؟

۱۹ اسفند ۱۳۹۶ ساعت ۱۶:۱۵

رژیم پهلوی با آنکه به خوبی آگاه بود اسلام حربه و ابزاری جهت سرپوش گذاشتن سازمان در برخی از فعالیتهای حزبی است؛ اما درصدد بود با اطلاق و یا به کارگیری اصطلاح «مارکسیسم اسلامی» وجهه و چهره اسلام را نزد مردم مخدوش نماید.

کافه تاریخ- مقالات

با نزدیک شدن به سالهای وقوع انقلاب اسلامی، بتدریج واژه جدیدی وارد اصطلاحات سیاسی میگردد. این واژه، اصطلاح جعلی مارکسیسم اسلامی بود که توسط دستگاه پهلوی رایج گشت. این اتفاق به دنبال گسترش فعالیتهای سازمان مجاهدین خلق و دستگیری برخی از اعضای آن رخ داد. گرچه به کارگیری این عنوان و اثبات گرایشات مارکسیستی با موضعگیری نهایی سازمان اثبات گردید؛ اما ساواک با اطلاق این اصطلاح، اهداف خاصی چون مبارزه با سازمان مجاهدین را دنبال میکرد. بررسی این اهداف موضوع نوشته ذیل را تشکیل میدهد که در ادامه به آن پرداخته میشود.

دهه ۵۰ و اوج گیری مبارزات علیه رژیم

با آغاز محدودیتهای سیاسی جدید از سوی رژیم پهلوی، جهت کنترل و یا سرکوب مخالفتها در دهه ۵۰ شمسی، شکل مبارزات مردم و جریانهای سیاسی نیز تغییر نمود. در این دهه علاوه بر روی آوردن برخی از جریانهای سیاسی به مبارزات مسلحانه، جریانهای جدیدی نیز تحت عنوان گروهها و یا احزاب جدید تشکیل شدند. یکی از این جریانها، جریان مارکسیسم اسلامی بود که شاخه محوری مجاهدین خلق بود. مجاهدین خلق با گرایشات و یا ایدئولوژی بنیادگرایی اسلامی توسط تعدادی از جوانان مسلمان عضو نهضت آزادی و با محوریت محمد حنیف نژاد، سعید محسن و علی اصغر بدیع زادگان در سالهای دهه ۱۹۶۰ میلادی (۱۳۴۰) تشکیل گردید. مجاهدین بیشتر از شاخه مذهبی آن بویژه نهضت آزادی بودند. اما خشونت دولت در دهه ۴۰ باعث شد تا بعضی از اعضای این حزب از آن جدا و جریانی متفاوتی را تشکیل دهند. سازمان گرچه از همان ابتدا مدعی بود به ایدئولوژی اسلامی پایبند است و تأثیراتی را از آموزهها و اندیشههای اسلامی شریعتی پذیرفته، اما در اصل با اسلام واقعی و نیز آموزههای افرادی چون شریعتی و سایر فقها و علمای اسلامی متفاوت بود.

با این نگرش و ایدئولوژی، سازمان دست به فعالیتهای گستردهای علیه رژیم زد که طی آن بسیاری از افراد آن دستگیر و یا کشته شدند. سازمان مجاهدین، در راستای مبارزات خود علیه رژیم، اولین اقدام مسلحانه خود را در سال ۱۳۵۰ جهت برهم زدن جشن ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی انجام داد. در پی این ماجرا چند تن از اعضای مجاهدین دستگیر و اعدام گردیدند. هرچند سازمان طی این عملیات تلفات سنگینی را متحمل شد، اما همچنان به مخالفت و نیز اقدامات پیاپی دیگری نیز دست زد. با این حال با گسترش فعالیتهای سازمان، بندریج واژه «مارکسیسم اسلامی» برای این گروه از سوی ساواک رایج گردید. به کارگیری این عنوان جعلی از سوی رژیم با اهداف خاصی صورت میگرفت که گرچه بعد مارکسیستی بودن آن بعدها اثبات گردید؛ اما اسلامی بودن آن کاملاً اشتباه و خلاف مدعای رژیم بود. برخی از اهداف رژیم برای به کارگیری این اصطلاح درباره گروههای مسلحی چون سازمان مجاهدین خلق از این قرار بود:



مشی مبارزاتی و ایدئولوژی سازمان مجاهدین خلق

اولین دلیل رژیم از این اقدام، مشی مبارزاتی و ایدئولوژی انتخابی توسط سازمان بود. سازمان ادعا میکرد در مشی مبارزاتی خود از اسلام تأثیر پذیرفته و بسیاری از آموزه‌های خود را از اصول اسلام دریافت نموده است. هرچند در عمل، ایدئولوژی سازمان با احزاب و جریانهایی چون فداییان خلق تفاوت چندانی نداشت و این سازمان نیز ایران را زیر سلطه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی نظام سرمایه‌داری به خصوص آمریکا میدانست و مدعی بود «با سرنگونی رژیم و پایان وابستگی به غرب و سرمایه‌داری و ایجاد نظام بیطبقه، دگرگونیهای اساسی به وجود خواهد آمد.» ۲ سازمان چریکهای فدائی خلق به عنوان جنبشی چپ و رادیکال، از ادغام دو گروه مارکسیستی و گروه لنینیستی تشکیل شده بود و مبارزات چریکی و مسلحانه مشی اصلی آن را شکل میداد.

مجموع این نظریات چنان به عقاید سازمان فدایی نزدیک بود که رژیم سازمان مجاهدین را «مارکسیستهای اسلامی» مینامید و ادعا میکرد اسلام تنها پوششی برای پنهان کردن ویژگی مارکسیستی آن است.

مبارزه با سازمان مجاهدین خلق

واژه و صفت مارکسیسم اسلامی را ساواک همچنین جهت مبارزه با گروه‌های چریکی مسلح مانند مجاهدین خلق به کار گرفت که میتوان گفت جنگ تبلیغاتی ساواک نیز محسوب میشد؛ زیرا سازمانهای کمونیستی شانس چندانی برای عضوگیری توده‌های و جذب مردم نداشتند؛ ولی اگر سازمانی ادعا میکرد ایدئولوژی اسلامی را به عنوان خط مشی سازمانی یا حزبی خود برگزیده است، میتوانست بهتر به جذب و با عضوگیری نیرو بپردازد. مارکسیستها به خاطر حزب توده بدنام بودند و حتی اگر در تئوری یا عمل منتقد حزب توده هم بودند باز از مقبولیت چندانی برخوردار نبودند. از این رو ساواک از این طریق میتوانست با مخدوش نمودن چهره سازمان مجاهدین و مارکسیست نامیدن آن، ضربه دیگری بر آن وارد کند؛ زیرا سازمان خود را در میان مردم سازمانی اسلامی معرفی کرده بود.

مخدوش نمودن چهره اسلام

علاوه بر این رژیم با آنکه به خوبی آگاه بود اسلام حربه و ابزاری جهت سرپوش گذاشتن سازمان در برخی از فعالیتهای حزبی است؛ اما درصدد بود با اطلاق و یا به کارگیری اصطلاح «مارکسیسم اسلامی» وجهه و چهره اسلام را نزد مردم مخدوش نماید. دستگاه حکومت پهلوی تصور میکرد از این طریق میتواند به مردم نشان دهد بسیاری از جوانان مسلمان دارای گرایشات چپ و مارکسیستی هستند. این موضوع از یک سو ناشی از افزایش مخالفت‌های گروه‌های چپ علیه رژیم بود و از طرفی به واگم رژیم از گسترش و تقویت جنبش اسلامی به رهبری امام (ره) باز میگشت. در واقع ترس شاه ناشی از این موضوع بود که از ابتدای این دهه بتدریج «شکافی آشکار و عمیق بین رژیم و مذهب پدید آمده و موج اسلام‌گرایی را که از اواسط دهه‌ی ۱۳۳۰ به وجود آمده، تقویت نموده است.»^۳ از این رو، به باور رژیم به کارگیری اصطلاح مارکسیسم اسلامی میتوانست نشان دهد که در عمل تفاوت چندانی میان اسلام و گروه‌های چپ وجود ندارد و اسلام نیز به دنبال تحقق خواسته‌های طبقاتی با روشهایی مشابه روشهای مارکسیستی است.

اما با گذشت زمان و آشکار شدن مشی مبارزاتی و عملیاتی سازمان، خلاف برخی از ادعاها مشخص گردید. «سازمان از سال ۱۳۵۱ به بعد به مارکسیسم گرایش بیشتری پیدا کرد... و سرانجام در اردیبهشت ۱۳۵۴، بیشتر رهبران سازمان که هنوز آزاد بودند به پذیرش مارکسیسم و مارکسیست-لنینیست شدن سازمان رأی دادند.»^۴ گرچه ادعای سازمان، در رابطه با گرایشات مارکسیستی سازمان اثبات گردید، اما «رهبران این گروه تفسیر آزاداندیشانه رهبران نهضت آزادی از تشیع را تغییر داده و اعلام نمودند که -تشیع واقعی نه تنها با استبداد بلکه با سرمایه داری، امپریالیسم و روحانیت گرایی محافظه کارانه نیز مخالف است.»^۵ و در موضع

گیری نهایی کادر رهبری سازمان اعلام کرد که بعد از ده سال به این نتیجه رسیده است که نه اسلام، بلکه مارکسیسم فلسفه انقلابی راستین سازمان است. ۶ این اعترافات، بسان ضربهای مهلک، ضمن برملا نمودن برخی از ادعاهای دروغین ساواک، باعث آشکار شدن چهره واقعی سازمان و کاهش مقبولیت آن در میان مردم گردید.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/۳۶۷۰۳/باب-چگونه-اسلامی-مارکسیسم-مفهوم>